


اداره مخطوطات

# فیلمتک

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی






ترجمان القرآن

مجهول المؤلف

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب: ترجمه مفردات قرآن - فارسی

مصنف / مؤلف: شناخته نشد احتمالاً از زوزنی راجع ادوات اللغة زیدی

خطی: نسخ ممتاز ۱۴ و ۱۵ سطر جلد الثالثه رمضان

چاپی

سال چاپ یا تحریر — عدد اوراق ۵۸

جزء کتب: لغت — شماره

شماره عمومی ۱۴۵۸ — شماره قبض

واقف: غیر معلوم — تاریخ وقف -

طول ۱۷ — عرض ۱۳ سانتیمتر — گنجه -

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

اجزاء اوایل این نسخه افتاده است

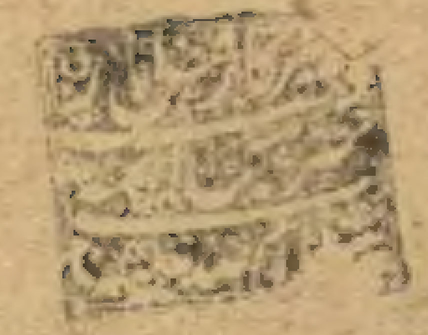
ترجمه کلمات مفرده قرآنی بفارسی
تألیف مولانا حافظ الدین ...

رِقْهٔ نکاه دار تو مرده رقیبا نکاه دارید شما دو مرده قوا نکاه دارید
شما مردان قی نکاه دار تو زن رقیبا نکاه دارید شما دو زن قین
نکاه دارید شما زنان النَّصِیبُ وَالحَظُّ وَالکِفْلُ بهره سَرِیعُ
الحِسَابِ زود شمار الحِسَابُ وَالحُسْبَانُ شمار کردن احْسُبْ
شمار کن تو مرده لَا تَحْسُبْ شمار مکن تو مرده فَمَنْ تَعَجَّلَ هر که
بشتابد التَّعَجُّلُ بشتافتن وَمَنْ تَأَخَّرَ وهر که باز پس ایستد
التَّأَخُّرُ باز پس ایستادن الحَشْرُ برانگیختن و گرد کردن
تُحْشَرُونَ برانگیزند شما را و جمع کنند الإِعْجَابُ خوش آمدن
مَنْ يُعْجِبُكَ کس هست که خوش آید ترا الإِشْهَادُ گواه کردن
و حاضر کردن يُشْهِدُ اللهَ گواه می کند خدا را أَلَدُّ الخِصَامِ
سخت خصومت قَوْمٌ لُدٌّ قومی سخت خصومه السَّعْيُ کار کردن
الإِهْلَاكُ هلاک کردن النَّسْلُ زه و زاده الفَسَادُ تباه شدن
العِزَّةُ حمیت جاهلیه حَسْبُهُ بسنده است او را جَهَنَّمُ
وسَقَرُ ولَظَى والهَاوِيَةُ والحُطَمَةُ دوزخ المَعَادُ باز گشتن
جای العَوْدُ باز گشتن ولَبِئْسَ المِهَادُ و بد قرارگاهی المِهَادُ
والفِرَاشُ بستر المَرْضَاةُ خشنودی فِي السِّلْمِ در مسلمانی
كَافَّةً همه فَإِنْ زَلَلْتُمْ اگر بلغزید شما الزَّلِيلُ بلغزیدن

هل هستند الظلل سایه وانها جمع ظلة سل بپرس کم چند
التزیین بیاراستن زین بیاراسته اند ویسخرون و
افسوس می کنند السخر والسخریة افسوس ... حسب
بپنداشت مردی تحسب بپندارد حسبانا ومحسبة
پنداشتنی الزلزلة بجنبانیدن وزلزلوا وبجنبانیدند
ایشانرا بانواع بلاها متی کی کره دشوارست عسی شاید بود
کره دشوار داشتن بکره کراهیة شر الکبر
بزرگوار و بزاد برآمده اکبر بزرگتر الصد بگرداندن ولا
یزالون وهمیشه ایشان الاستطاعة توانستن الارتداد
برگشتن از مسلمانی وجزان ومن یرتدد وهرکه برگردد
حبطت باطل شد تحبط حبوطا هاجروا از مکه بمدینه
آمدند برای دین المهاجرة از کسی ببریدن جاهدوا کارزار
کردند المجاهدة والجهاد باکسی کارزار کردن رجا امید داشتن
مردن وبترسیدن بجوار یحا الخمر می الخمور المیسر
قمار المنفعة سود المنافع ج العفو زیادتی مال
تتفکرون در اندیشید [illegible]



در اندیشیدن المخالطة باکسی آمیختن وان تخالطوهم واگر
بیامیزید شما باایشان الاعنات درکاری اوکندن که ازان
بیرون نتوان آمدن لاعنتکم در دشخواری افکند شمارا ولا
تنکحوا مزنی مکنید النکح والنکاح زن کردن وشوی کردن
ومجامعة کردن الامة پرستار ولاتنکحوا وزن مدهید
الانکاح مرد را زن دادن وزن را شوهر دادن التذکر
پند گرفتن ویاد آوردن المحیض والحیض ناپاکی که افتد زنان را
الاعتزال یکسو شدن الطهارة پاک شدن حتی یطهرن
تاپاک شوند آن زنان از حیض التطهر سروتن شستن حرث
لکم کشت زارها اند شمارا فاتوا حرثکم بیایید بکشت زارها
خویش انی شئتم چنانک خواهید عرضة بهانه ومانعی
الایمان سوگندها جمع یمین المؤاخذة بگرفتن کسی را بگناهی
اللغو سوگندی که برزبان رود بی قصد الایلاء والایتلاء
سوگند خوردن التربص چشم داشتن اربعة اشهر چهار
ماه الفیء بازگشتن فان فاؤا اگر بازگردند العزم دل
برکاری نهادن الطلاق رها شدن زن از عقد نکاح.





از اینجا چند ورق افتاده





تشرب روی ها قمطریرا سخت نضرة تازگی و نیکویی الزمهریر
سرما سخت الآنیة جمع اناء جمع آنیة الاسر آفرینش و پیوند اسیر کردن
سورة المرسلات والمرسلات عرفا فالحق ابتدای
پیاپی چون موی اسب که گویند بالمعروف بنیکویی العصف
سخت جستن باد فالملقیات ذکرا الحق آرندگان وحی عذرا
اعذار الاعذار عذر درست آوردن فرج بشکافتن یفرج
فرج اقتت ای جمعت لوقتها وهی یوم القیامة ماء مهین
آب سست کفاتا واهم ... الشامخات کوههای بلند الشعبة
شاخ الشعب جماعة الشعبة جمالات صفر شتران سیاه
سورة النبا عم اصله عما المعاش والعیش زیستن وهاجا
بدرخشنده ثجاجا ... المعصرات ابرهای نزدیک رسیده بباران
الفافا بهم در شده احقابا هشتاد سالان حقبة ابر دخواب
الموافقة والوفاق موافقت کردن الکاعب دختر نار پستان
الکواعب جمعة دهاقا پر وی کعب بیند بیان الکذاب التکذیب حسابا
ای شمار کن بقاله کافیا ده صوابا کفتار راست سورة النازعات